

نگرش سیاسی و ارتباط آن با دینداری و طبقه اجتماعی در بین مردم شهر رشت

ندا یکتاپرست راسته کناری^۱

هادی نوری^{*۲}

محمد رضا غلامی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۲۱

چکیده

نوع نگرش سیاسی مردم و تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر آن از جمله پرسش‌های مهم مطرح در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی است. این مقاله با هدف بررسی وضعیت نگرش سیاسی مردم شهر رشت انجام شده است و برای تحقق آن از دو منظر اقتصادگرایی و فرهنگ‌گرایی برای تبیین عوامل مؤثر بر نگرش سیاسی استفاده می‌شود. لذا پرسش اصلی مقاله حاضر این است که «نگرش سیاسی مردم رشت تحت تأثیر کدام یک از دو متغیر موردنظر طبقه و دینداری شکل می‌گیرد؟». روش این مطالعه، پیمایش و ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه و جامعه آماری آن، جمعیت بالای ۱۸ سال مردم رشت است که ۳۸۵ نفر آن‌ها به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ۷۶ درصد از پاسخگویان دارای نگرش اصلاح‌طلبی و ۲۴ درصد از نگرش اصول‌گرایی برخوردارند. همچنین بین متغیرهای دینداری و طبقه اجتماعی پاسخگویان و نگرش سیاسی آن‌ها رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد.

کلید واژه‌ها: نگرش سیاسی، طبقه اجتماعی، دینداری، اصول‌گرایی، اصلاح‌طلبی.

۱- کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه گیلان

۲- استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه گیلان

۳- استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه گیلان

*: نویسنده مسئول

۱. مقدمه و طرح مسئله

نگرش^۱ عبارت است از نوعی حالت آمادگی و تمایل به عمل یا عکس‌العمل خاص در مقابل محرک خاص. نگرش به‌وسیله عقاید و باورها تقویت می‌شوند (عامل ادراکی) و اغلب احساساتی قوی (عامل احساسی) را که به‌نوعی خاصی از رفتار (عامل حرکتی) منجر می‌شود، جذب می‌کند. سنجش نگرش عبارت است از فهم میزان آمادگی برای عمل و عکس‌العمل درباره‌ی مفاهیم و محرک خاص (اوپنهام، ۱۳۶۹: ۵۳). نگرش سیاسی به آمادگی درونی برای انجام عمل به نحو خاص در برابر پدیده‌ای سیاسی گفته می‌شود، خواه این پدیده یک ایدئولوژی، نیرو، مسئله یا امر مرتبط با احزاب یا افراد سیاسی باشد (بیرو، ۱۳۸۰: ۷۰).

در ادبیات سیاسی، دو نوع نگرش دیده می‌شود: نگرش سنت‌گرا^۲ و نگرش نوگرا^۳. نگرش سیاسی سنت‌گرا حاکی از آن است که افراد جامعه کمتر گرایش به تفکر راه جویی مدبرانه دارند بلکه بیشتر منفعلانه تسلیم محیط می‌شوند. نگرش سیاسی نوگرا حاکی از آن است که آحاد اعضای جامعه به توان خود در تأثیر مستقیم بر مقامات تصمیم‌گیرنده برای جامعه و روند سیاسی موجود باور دارند. در نتیجه این باور، روحیه تسلیم‌پذیری و قبول وضعیت موجود دگرگون می‌شود و جای خود را به روحیه راه جویی، همکاری، سازندگی و قدرت، جهت یافتن راه‌حل مناسب می‌دهد (سیف‌زاده، ۱۳۷۳: ۹۴-۹۳).

دو نگرش سیاسی مسلط در جامعه کنونی ایران اصلاح‌طلبی، اصول‌گرایی هستند. اصلاحات براساس علم سیاست «بهبودخواهی یا اصلاح‌طلبی، هواداری از سیاست، تغییر زندگی اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی، اما با روش‌های ملایم و بدون شتاب است» (آشوری، ۱۳۷۳: ۷۲). در جامعه سیاسی کنونی ایران، اصلاح‌طلبی به معنای توسعه سیاسی است و روی کار آمدن دولت خاتمی نمونه بارز جریان اصلاح‌طلبی در کشور است. رئیس دولت اصلاحات در این زمینه می‌گوید: «هر چیزی که در برابر آزادی ایستاده، لطمه دیده است حتی فضیلت‌های انسانی. دین اگر در مقابل آزادی قرار گرفته لطمه دیده است. عدالت اگر در مقابل آزادی قرار گرفته لطمه خورده است؛ توسعه اگر در مقابل آزادی قرار گرفته لطمه خورده است». از این‌رو، دوره اصلاحات را باید دوره آزادی‌سازی سیاسی در مقابل آزادسازی اقتصادی دوره سازندگی تلقی کرد (خاتمی، ۱۳۷۷/۳/۲).

1. Attitude
2. Traditionalist attitude
3. Modernist attitude

ریشه اصول‌گرایی در ادبیات سیاسی جمهوری اسلامی، به جناح چپ و جناح راست و خودی و غیرخودی برمی‌گردد. به‌طور سنتی، جناح راست در ایران از دو طبقه‌ی روحانیت سنتی و تشکل‌های مذهبی مرتبط با بازار تشکیل شده است. همین اختلاف در پایگاه اقتصادی، اختلافات سیاسی شدیدی را در سال‌های ابتدای دهه‌ی شصت و خصوصاً در رابطه با سیاست‌های اقتصادی دولت موسوی در زمان جنگ میان انقلابیون ایجاد کرد که عامل کلیدی انشعاب دو جناح راست و چپ در درون نظام بود. جناح راست در سال ۱۳۶۶ و با تأسیس روزنامه‌ی «رسالت» رسمیت یافت. مخالفت با دولت موسوی و اعتقاد به بخش خصوصی و بازار، مهم‌ترین ویژگی بارز این جریان در آن سال‌ها محسوب می‌شد (زیباکلام، ۱۳۷۷: ۴۵).

این دو نگرش سیاسی و به‌طور کلی مقوله نگرش سیاسی در جوامع مختلف متأثر از عوامل گوناگون شکل می‌گیرد. در خصوص عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نگرش سیاسی، دو دیدگاه عمده در نزد جامعه‌شناسان وجود دارد. اقتصادگرایان به رهبری کارل مارکس به تأثیر عامل اقتصاد به‌عنوان زیربنا بر عوامل روبنایی مانند سیاست، فرهنگ، اجتماع و آگاهی انسانی تأکید می‌کنند. فرهنگ‌گرایان به رهبری ماکس وبر در مقام تکمیل بحث اقتصادگرایان به تأثیر عامل فرهنگ (به‌ویژه دین) بر دیگر حوزه‌های جامعه اهمیت می‌دهند. پرسش مقاله حاضر این است که «نگرش سیاسی مردم رشت تحت تأثیر کدام‌یک از آن دو متغیر موردنظر طبقه و دینداری شکل می‌گیرد؟».

بر این اساس، هدف مقاله حاضر توصیف وضعیت هرکدام از نگرش‌های سیاسی اصلاح‌طلب و اصول‌گرا در شهر رشت است تا وزن اجتماعی هر کدام از این سه جناح سیاسی اصلی کشور را در این شهر بسنجد. هدف دیگر این پژوهش تبیین رابطه دو متغیر طبقه و دینداری با متغیر وابسته نگرش سیاسی در نزد مردم شهر رشت است.

۲. پیشینه پژوهش

مطالعات چندی در کتاب‌ها و پایان‌نامه‌ها و مقالات مختلف درباره نگرش‌های سیاسی و ارتباط آن با دینداری و طبقه اجتماعی انجام شده است. در ادامه، مروری مختصر بر پیشینه پژوهش‌های داخلی و خارجی صورت خواهد گرفت که در راستای اهداف و مسئله اصلی پژوهش حاضر انجام شده‌اند.

مقصود فراستخوا و دیگران (۱۳۹۴) در فصل‌نامه *جامعه‌شناسی* مقاله‌ای با عنوان «نگرش سیاسی اجتماعی نوگرای دانشجویان دانشگاه اصفهان و تأثیر خانواده و دانشگاه بر آن» به چاپ رسانده‌اند. چارچوب نظری پژوهش، تلفیقی از نظریه‌های دانشمندانی همچون دیویی، آدورنو و فروم است. روش تحقیق، پیمایشی است. یافته‌ها حاکی از آن است که بین هر دو بعد الگوهای ارتباطی خانواده و نگرش سیاسی - اجتماعی نوگرای دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. درحالی‌که جهت‌گیری گفت‌ووشنود رابطه مستقیم دارد، بعد هم‌نواپی خانواده رابطه‌ای معکوس با نوگرایی دانشجویان داشته است.

احمد آذین و یوسف غریزی (۱۳۹۰) مقاله‌ای با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر نگرش سیاسی اجتماعی جوانان شهر بروجرد» منتشر کرده‌اند. روش تحقیق این پژوهش از نوع پیمایش است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند سرمایه اجتماعی، آگاهی سیاسی، طبقه اجتماعی، سن، جنسیت، تأهل، رسانه ملی، گرایش‌های مذهبی و استفاده از فضای مجازی با نگرش سیاسی اجتماعی مثبت داشته‌اند و از پیش‌بینی‌کننده‌های نگرش سیاسی اجتماعی بوده‌اند ولی متغیر سن، تأهل و استفاده از فضای مجازی رابطه‌ای با نگرش جوانان نداشته‌اند.

محمدجواد زاهدی و علی بیرانوند (۱۳۹۰) مقاله‌ای با عنوان «پایگاه اقتصادی اجتماعی و نگرش به مشارکت سیاسی» به رشته تحریر درآورده‌اند. جهت سنجش نگرش به مشارکت سیاسی از روش پیمایشی استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش، کلیه افراد ۱۸ سال و بالاتر ساکن شهر خرم‌آباد است. یافته‌ها نشان می‌دهد پاسخگویانی که دارای پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین هستند با مشارکت سیاسی مخالفت بیشتری دارند.

وحید قاسمی و زهرا ذاکری (۱۳۸۹) پژوهشی با عنوان «تحلیل تطبیقی نگرش سیاسی زنان و مردان شهر اصفهان» انجام داده‌اند که در زمینه مقایسه نگرش‌های سیاسی آزادی‌خواهانه زنان و مردان بر روی ۳۸۲ نفر از شهروندان شهر اصفهان صورت گرفته است. نتایج تحقیق نشان داده است زنان از محافظه‌کاری سنتی فاصله گرفته‌اند و متغیر جنسیت در مجموع توان تبیین رویکرد غیر محافظه‌کارانه را دارا نیست.

حسن رضائی و بهزاد نظری (۱۳۹۴) مقاله‌ای با عنوان «مشارکت سیاسی در گفتمان‌های اصولگرایی و اصلاح‌طلبی» به چاپ رسانده‌اند. گفتمان اصولگرایی با دال مرکزی ولایت و مفصل‌بندی دال‌های ارزش‌ها، روحانیت، تهاجم فرهنگی، عدالت و توسعه اقتصادی و گفتمان اصلاح‌طلبی با دال مرکزی مردم و مفصل‌بندی دال‌های جامعه مدنی، اصلاحات، قانون،

آزادی و توسعه سیاسی با یکدیگر به رقابت برخاستند. در این مقاله با بهره‌گیری از نظریه لاکلائو و موفه به بررسی دیدگاه گفتمان‌های اصلاح‌طلبی و اصولگرایی در خصوص مشارکت سیاسی پرداخته شده است.

سید رحیم ابوالحسنی (۱۳۸۴) در مقاله «نگرش و گرایش سیاسی مردم (اصلاح‌طلبی یا محافظه‌کاری)» درصدد درک گرایش سیاسی مردم با توجه به نتیجه آرا در سوم تیر ماه ۱۳۸۴ می‌باشد. داده‌های این مقاله که از نگرش سنجی وزارت ارشاد تحت عنوان «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» در سال ۱۳۸۲ استخراج شده است نشان‌دهنده آن است که حتی دو سال پیش از انتخابات ۱۳۸۴، مطالبات اقتصادی و رفاهی در نزد مردم بیشترین اولویت را داشته است و علی‌رغم مشروعیت بالای نظام سیاسی در نزد مردم، مدیران و نخبگان حاکم فاقد مقبولیت لازم هستند.

بیژن زارع و مجید روهنده در مقاله «پژوهشی در باب دینداری و مشارکت سیاسی (مورد مطالعه: شهروندان شهر کرج)» (۱۳۹۵) به شیوه پیمایشی بر روی ۴۰۰ نفر بدین نتیجه رسیدند که بعد مناسکی و بعد پیامدی دینداری بیشترین سهم معنی‌دار را در پیش‌بینی پراکندگی مشارکت سیاسی دارا می‌باشند. همچنین نتایج آزمون ضریب همبستگی چندگانه آنها نشان می‌دهد که همبستگی متوسطی بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته وجود دارد. نتایج این آزمون حاکی از آن است.

غدیر بهمنی طراز و ابوالفضل دلاوری در مقاله «فرهنگ سیاسی دموکراتیک و طبقه متوسط جدید (مورد پژوهش: اساتید دانشگاه‌ها و دبیران مقطع متوسطه شهر همدان)» با استفاده از الگوی ترکیبی مارک تسلر و اینگلههارت و روش پیمایش بدین نتیجه رسیده‌اند که متغیر گرایش به ارزش‌های فرامادی مهم‌ترین متغیر تبیین‌کننده فرهنگ دموکراتیک بوده و پس از آن تحصیلات و میزان استفاده از رسانه‌ها از شاخص‌های دیگر توسعه است که در گرایش افراد به این نوع از فرهنگ سیاسی موثر و دارای رابطه معنادار با متغیر وابسته است. حسن مجاهد (۱۳۸۰) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر نگرش‌های سیاسی دانشجویان دانشگاه شیراز» از تحقیق پیمایشی با ابزار پرسشنامه و برای تبیین مسأله خود از نظریه‌های آلموند و گاسفیلد^۱ استفاده کرده است. از بین کل نمونه مورد مطالعه ۲۱ درصد دارای نگرش محافظه‌کارانه، ۴۹ درصد نگرش اصلاح‌طلبانه و ۳۰ درصد دارای نگرش رادیکالی بوده‌اند.

اینگو زتلر و همکارانش (Ingo Zettler and Others, 2010) در مقاله‌ای با عنوان «نوع‌دوستی در آراء: پیش‌بینی نگرش‌ها و رفتار سیاسی» نوع‌دوستی را به‌عنوان متغیری تأثیرگذار بر نگرش‌های سیاسی افراد موردبررسی قرار داده‌اند. این مطالعه در دو زمان؛ قبل و بعد از انتخابات در سراسر کشور آلمان انجام شده است. یافته‌های تجربی، این فرضیه را تأیید می‌کند که افراد با تمایلات نوع‌دوستانه- در طیف راست/ چپ- گرایش‌های سیاسی خود را بیشتر بر طیف چپ قرار می‌دهند.

مقاله چوما و همکارانش (Backy L. Choma and Others, 2012) با عنوان «لیبرالیسم سیاسی و محافظه‌کاری سیاسی: به‌صورت اساسی مستقل هستند؟» به این مسئله می‌پردازند که بیشتر تحقیقات تاکنون انجام شده مبتنی بر مدل تک‌بعدی از گرایش‌های سیاسی بوده است. در این پژوهش از روش پیمایش استفاده شده است. ۲۴۵ نفر از دانشجویان از نظر گرایش سیاسی، تفاوت‌های فردی و اطلاعات جمعیت شناختی موردبررسی قرار گرفته‌اند. نتایج حاکی از آن است که محافظه‌کاران با احتمال بیشتری فقر و بی‌خانمانی را به علل شخصی ربط می‌دهند، درحالی‌که لیبرال‌ها بیشتر بر تبیین موقعیتی تأکید می‌کنند و احساسات مثبت‌تری نسبت به فقیران دارند.

مقاله فلوریان ون لیوون و همکارانش (2009) با عنوان «ادراک اجتماعی، بنیادهای اخلاقی و جهت‌گیری‌های سیاسی» بر گرایش سیاسی محافظه‌کاری متمرکز است. ۱۴۰ دانشجوی (۲۷ مرد، ۱۱۳ زن) از دانشگاه گرونینگن هلند موردبررسی قرار گرفتند. براساس یافته‌های پژوهش، تمایز اصلی که میان لیبرال‌ها و محافظه‌کاران وجود دارد این است که؛ لیبرال‌ها به برنامه‌هایی در جهت تساوی طلبی گرایش دارند. درحالی‌که محافظه‌کاران به مقاومت و پایداری در مقابل تغییرات می‌پردازند و نابرابری را تحمل می‌کنند.

با بررسی پژوهش‌های انجام شده در حوزه نگرش‌های سیاسی این مسئله نمایان شد که این پژوهش‌ها مربوط به نگرش‌های نوگرا و سنت‌گرا و یا به تعبیری محافظه‌گرایی و تغییر خواهی بوده است و از بین عوامل تأثیرگذار هیچ‌کدام به‌صورت مشترک به مقوله طبقه اجتماعی و دینداری تأثیرگذار بر نگرش سیاسی نپرداخته‌اند.

۳. مبانی نظری

برای بررسی نگرش سیاسی و عوامل مؤثر بر آن باید موضوع را از زوایای مختلف موردتوجه قرار داد. پژوهش حاضر از دو منظر اقتصاد و فرهنگ به بررسی نگرش‌های سیاسی می‌پردازد.

در انتخاب این دو حوزه و تأثیرگذاری آن بر نگرش سیاسی توجه به این منطبق مورد نظر قرار دارد که دو نظریه مسلط در حوزه جامعه‌شناسی وجود دارد: اول، نظریه اقتصادگرایان که توسط مارکس و مارکسیست‌ها مطرح می‌شود، دوم فرهنگ و فرهنگ‌گرایان که توسط وبر و بعدها پارسونز تداوم پیدا کرد.

اقتصادگرایی با جامعه‌شناسی کارل مارکس یا رویکرد ماتریالیسم تاریخی او شناخته می‌شود که تنها عامل محرک تاریخ را زیربنای اقتصادی آن می‌داند. مارکس در کتاب *مقدمه‌ای بر نقد اقتصاد سیاسی* خود از نتیجه‌گیری کلی و خط راهنمای مطالعاتش پرده‌برداری می‌کند: «... مجموعه کلی مناسبات تولید ساختار اقتصادی جامعه را تشکیل می‌دهد - یعنی همان بنیان واقعی که روبناهای سیاسی و قانونی از آن ناشی می‌شود و با شکل‌های معین شعور اجتماعی بستگی دارد. شیوه تولید در زندگی مادی عامل تعیین‌کننده ویژگی‌های عمومی فرایندهای معنوی، سیاسی و اجتماعی زندگی است. شعور اجتماعی انسان‌ها تعیین‌کننده وجود آن‌ها نیست، بلکه برعکس وجود اجتماعی انسان‌ها تعیین‌کننده شعور آن‌هاست... با تحول در بنیان اقتصادی تمامی گستره روبنا با سرعتی کمتر یا بیشتر تغییر می‌یابد...» (مارکس، ۱۳۸۵: ۵۶۷). همین نگاه در کتاب *ایدئولوژی آلمانی* هم آمده است: «اخلاق، دین، متافیزیک و سایر ضمایم ایدئولوژی و صور آگاهی صورت ظاهری استقلال را از دست می‌دهند... این آگاهی نیست که زندگی را تعیین می‌کند بلکه زندگی است که آگاهی را تعیین می‌کند» (مارکس، ۱۳۸۰: ۲۹۵).

بدین ترتیب، فرهنگ در دیدگاه مارکس توسط نظام اقتصادی خاص تولید شده و در آن یکپارچه می‌شود و به تکنولوژی رایج متکی است (بیلینگتون، ۱۳۸۰: ۶۰). لذا فرهنگ به‌عنوان جزئی از روبنا، شامل مذهب، هنرها و سرگرمی‌های عمومی و نیز نظام آموزشی ممکن است به‌عنوان نیروهای ارتجاعی سیاسی متعلق به ایدئولوژی مسلط تحلیل شود که ساختار موجود قدرت را حفظ می‌کند (Edgar and Sedgwick, 2002: 144).

اندیشه‌های مارکس در قرن بیستم مورد تعبیرهای گوناگونی قرار گرفت. مارکسیسم به‌عنوان یک مکتب محصول کتاب *آنتی دورینگ*^۱ انگلس بود که تعبیر پوزیتیویستی عمل‌گرایانه و ارتدوکس را فراهم آورد. در واقع ریشه اندیشه‌های مارکسیست‌های ارتدوکس به‌ویژه کائوتسکی در برداشت‌های انگلس قرار داشت. کائوتسکی تفسیرهایی اقتصاد‌گرایانه داشت، از نظر وی اگرچه نقش اراده و عمل انسان را باید به نحوی پذیرفت، اما باید بر شرایط

عینی اقتصادی تأکید کرد که تعیین‌کننده‌ی جهت و ماهیت اراده و عمل انسان‌هاست (بشیریه، ۱۳۷۶: ۲۶). گئورگی پلخانف، پایه‌گذار جنبش سوسیال دموکراسی کارگری روسیه و یکی از نظریه‌پردازان مارکسیسم ارتدوکس نظریه ماتریالیستی نقش توده‌های مردم، نقش شخصیت در تاریخ، هم‌کنشی زیربنا و روبنا و تأثیر متقابل ایدئولوژی‌ها بر تحولات اجتماعی را گسترش داد (پلخانف، ۱۳۸۱: ۹). همچنین مارکسیسم ساختاری آلتوسر می‌گوید اقتصادگرایی مشکلی است که باید در نظریه مارکسیسم از بین برود. هدف آلتوسر تثبیت مارکسیسم به‌عنوان یک علم و رها کردن آن از جبرگرایی اقتصادی بود (استریناتی، ۱۳۸۵: ۲۰۰). آلتوسر متأثر از نظریه‌ی ساختارگرایی بر آن بود که سنتزی نوین از کار مارکس به‌دست دهد که ضمن رویکرد انسان‌محور و هگلی مارکس و حفظ چارچوب نظریه‌ی مارکس در آخرین مرحله حیاتش از مارکسیسم اقتصادگرای ما قبل آن نیز متمایز باشد (کرایب، ۱۳۸۸: ۳۳۶).

در میان فرهنگ‌گرایان، ماکس وبر بر انفصال نسبی حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی تأکید می‌گذاشت و بر آن بود که میان آن‌ها (مثلاً میان ساخت اجتماعی و ساخت اقتصادی) رابطه انتخابی وجود دارد. وبر در مواجهه با تحلیل مارکسیستی ایدئولوژی و روبنا، می‌گوید: «اگرچه ما از قید این تفکر کهنه‌آزادیم که تمام پدیده‌های فرهنگی را می‌توان به‌منزله محصول یا تابع منظمه منافع مادی استنتاج کرد، اما معتقدیم تحلیل پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی با توجه خاص به شرایط اقتصادی، اصل علمی سازنده و سودمندی است» (وبر، ۱۳۸۷: ۱۱۱). معنای سخن او این است که منکر نقش اقتصاد نیست بلکه با جبرگرایی اقتصادی مخالف است: «تبیین کردن همه چیز فقط با تکیه به علل اقتصادی به‌هیچ‌وجه کافی و جامع نیست» (همان: ۱۱۴). وبر می‌گوید «اگر "درک مادی گرایانه تاریخ" به‌عنوان جهان‌بینی یا فرمولی برای تبیین علی واقیعت تاریخی بکار رود، باید مؤکداً نفی شود» (همان: ۱۱۱). او شکل اولیه درک مادی گرایانه از تاریخ را با عباراتی مانند «تبیین سطحی یک واقعه تاریخی ... کهنه‌ترین فرضیه‌ها و کلی‌ترین عبارت‌ها» توصیف می‌کند (وبر، ۱۳۸۷: ۱۱۱).

در مقابل این تفسیر غیرواقعی و تک‌بعدی از تاریخ، وبر در کتاب *اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری* یکی از وظایف پژوهش‌های جامعه‌شناختی را کشف تمام تأثیرات و زنجیره پیوندهای علی می‌داند که می‌تواند به نحوی رضایت‌بخش به‌عنوان واکنش‌هایی میان سرشت و محیط تبیین شوند (وبر، ۱۳۷۳: ۳۷). وبر می‌گوید: «صرفاً می‌کوشیم تا در میان بی‌شمار

عوامل درهم‌پیچیده تاریخی سهم نیروهای مذهبی را در تشکیل بافت تکامل فرهنگ جدید ما که اینجهانی است، تصریح نماییم؛ بنابراین، تنها سوآلی که مطرح می‌کنیم این است که تا کجا می‌توان برخی مضامین ویژه این فرهنگ را ناشی از تأثیر نهضت اصلاح کلیسا دانست. در عین حال باید خود را از این تصور خلاص کرد که می‌توان نهضت اصلاح را نتیجه ضروری و تاریخی برخی تغییرات اقتصادی دانست. مشارکت شرایط تاریخی بی‌شمار که قابل تقلیل به هیچ قانون اقتصادی نیست و به‌ویژه روندهای سیاسی لازم بود تا این کلیساهای نوبنیاد بتوانند به حیات خود ادامه دهند (وبر، ۱۳۷۳: ۸۹). او مطالعه اخلاق پروتستانی را «کمکی به درک نحوه تبدیل ایده‌ها به نیروهای مؤثر تاریخ» و علیه جبرگرایی اقتصادی می‌داند (گیدنز، ۱۳۷۶: ۱۳). وبر به صراحت می‌گوید: «قصدم این نیست که به‌جای یک تعبیر علی یکجانبه ماده گرایانه از فرهنگ و تاریخ، یک تعبیر ذهن گرایانه همان‌قدر یکجانبه را قرار دهیم» (وبر، ۱۳۷۳: ۱۹۲).

تالکوت پارسونز، تحت تأثیر ماکس وبر و به‌عنوان نماینده اصلی نظریه‌های ارزشی، علت بقای جامعه را وحدت ناشی از ارزش‌های مشترک می‌دانند. او در کتاب *نظام اجتماعی* (۱۹۵۱) نظریه جامعه‌شناختی مطرح می‌کند که مسئله آن انسجام نظام‌های اجتماعی است. چنانکه خود پارسونز می‌گوید: «وظیفه نظریه جامعه‌شناختی این است که برای بررسی نظام اجتماعی از یک نقطه‌نظر خاص تحلیلی بر پدیده‌های نهادینه شدن الگوهای جهت‌گیری ارزشی در نقش‌ها متمرکز گردد» (Parsons, 1951: vii). منظور پارسونز از نظام اجتماعی «کثرتی از کنشگران فردی است که در وضعیتی که حداقل جنبه فیزیکی یا محیطی دارد، با یکدیگر کنش متقابل دارند. رابطه آن‌ها با وضعیتشان، از جمله یکدیگر، بر حسب و از طریق نظام نمادهای فرهنگی ساختمان و مشترک تعریف می‌شود» (Ibid: 5-6).

بدین ترتیب، پارسونز بیش از نظریه‌پردازان قرن نوزدهم تلاش کرد تا روابط میان فرهنگ، شخصیت و ساختار اجتماعی را با ارائه الگوهای تجربیدی و دارای قابلیت کاربرد عام به‌شکلی نظام‌مند در قالب نظریه بیان کند. آخرین دستاورد مرحله سه زندگی پارسونز پیوند والاترین دستاورد فرهنگی (نظام‌های دینی) با نظام کنشی است که شامل پیوند میان ارگانیک‌های زنده و جهان فیزیکی می‌شود (همیلتون، ۱۳۷۹: ۲۴). بر مبنای الگوی سایبرنتیک، تأکید اولیه و اساسی پارسونز بر فرهنگ است. فرهنگ، اهداف غایی هر سیستم را معین می‌کند. فرهنگ به‌منزله یک دستگاه کنترل، جامعه و سایر نظام‌ها را هدایت می‌کند. فرهنگ

ورودی‌ها و اطلاعات نمادین را از طریق خانواده، مذهب، مدرسه وارد جامعه می‌کند و به این طریق در جهت هدایت کل سیستم اجتماعی عمل می‌نماید (اسمیت، ۱۳۸۳: ۴۶ و ۵۷).
 وینستون دیویس^۱ با الهام از نظریه اخلاق پروتستانی وبر در زمینه رابطه مذهب و توسعه اقتصادی گام برداشت. او روش وبر را نظریه موانع و انگیزه‌ها می‌نامد و تز خود را نظریه سدها و حملات. مسئله اصلی دیویس این است که آیا مذهب کنفوسیوس مانع رشد سرمایه در چین شد و آیا سنت مردمی ژاپن باعث ایجاد یک اخلاق واقعی کار شده است؟ (دیویس، ۱۳۷۹: ۲۶۵).

رابرت بلا^۲ جامعه‌شناس نیز تحلیل‌های خود را بر اساس اندیشه‌های وبر استوار نموده است. وی با بررسی عوامل رشد و توسعه اقتصادی ژاپن تحت تأثیر نهادهای سنتی، مذهبی و اخلاقی سعی کرد تا جنبه‌های مختلف عقلانیت را در نهادهای اقتصادی - اجتماعی ژاپن مشخص نماید تا ببیند آیین توکوگاوا^۳ چه نقشی در توسعه اقتصادی سریع و منحصر به فرد ژاپن داشته است (سو، ۱۳۸۶: ۶۰). نتیجه بررسی‌های بلا در مورد مذهب توکوگاوا در ژاپن، تأثیر مستقیم و غیرمستقیم مذهب بر توسعه اقتصادی سریع ژاپن بود.

سرانجام، رونالد اینگلهارت معتقد است هرچند فرهنگ‌ها در پاسخ به تغییرات محیط اقتصادی، سیاسی و تکنولوژیک تغییر می‌کنند، به‌نوبه خود به محیط شکل می‌دهند. تغییرات فرهنگی هم بر آهنگ رشد اقتصادی در جوامع صنعتی و هم بر نوع توسعه اقتصادی آن‌ها، شیوه اجتماعی برخورد سیاسی و دلایل مردم برای حمایت از احزاب سیاسی شکل جدیدی بخشیده است. تا آنجا که اینگلهارت از آن به‌عنوان «انقلاب آرام» یاد می‌کند (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۳). او می‌گوید نه از جبرگرایی فرهنگی دفاع می‌کند و نه از جبرگرایی اقتصادی. بلکه یک ادعای محدودتر دارد: «اینکه فرهنگ یک عنصر علی ضروری است که به شکل‌گیری جامعه کمک می‌کند» (همان: ۱۳). اینگلهارت نقش مذهب را در شکل‌گیری فرهنگ سیاسی جوامع بسیار اساسی می‌داند. وی با استناد به مطالعات تجربی بیان می‌کند که مذهب نه تنها در رفتار انتخاباتی مردم به‌منزله عاملی بانفوذ عمل می‌کند، بلکه به نظر می‌آید که رهبریش را در دیگر حوزه‌های سیاسی به‌طور روزافزون می‌گستراند (کردی، ۱۳۸۸: ۷۷).

1. Winston Davis
 2. Robert Bellah
 3. Tokugawa

دیدگاه‌های اقتصادگرایان و فرهنگ گرایان از دو منظر به موضوع نگرش‌های سیاسی می‌پردازند. موضوع مقاله حاضر بررسی اثرات این دو متغیر اقتصاد و فرهنگ بر نگرش‌های سیاسی مردم شهر رشت می‌باشد. نگرش به یک جهت‌گیری نسبتاً ثابت، عام یا خاص، مثبت یا منفی به‌سوی انواع رفتارها، افراد یا چیزها اشاره دارد (Sharma, 1992). از نظر آلموند، نگرش سیاسی تمایلات درونی و روانی افراد در جهت کنش‌های سیاسی است که خود متأثر از عواملی مانند سنت‌ها، خاطرات تاریخی، انگیزه‌ها، عواطف، نهادها و عوامل جامعه‌پذیری سیاسی است (Almond, 1963: 13). برخی از نویسندگان نگرش سیاسی را به‌عنوان مجموع‌های از دیدگاه‌های سیاسی نسبتاً باثبات و منسجم تعریف کرده‌اند. برخی دیگر معتقدند؛ گرایش سیاسی به‌عنوان یک سازه، مکانیسمی مفید برای فهم رفتار بشری است (Friese & Fishman, 2009: 280). در مقاله حاضر، سه نوع نگرش سیاسی اصول‌گرایی، اصلاح‌طلبی و اعتدال‌گرایی مورد توجه قرار خواهد گرفت.

در نگرش سیاسی اصولگرا، نشانه‌هایی مانند پیروی از ولایت‌فقیه، اجرای احکام و حدود اسلامی، عدالت اجتماعی، توجه به اقشار پایین، حاشیه‌ای، روستایی، لایه‌های پایین طبقه متوسط و مهاجران از روستا، ساده‌سازی مفاهیم و ارائه آن برابر درک توده‌ها، باور به تهاجم فرهنگی، دگرسازی با غرب و نیروهای نامدار لیبرال در کشور و باور مرزکشی میان خودی و غیرخودی به‌عنوان برجسته‌ترین نشانه‌های این گفتمان است که پیامدهای اجتماعی فراوانی داشته است. گفتمان عدالت اجتماعی گفتمانی مردم‌گرا است. این گفتمان بر آن است که میان دولت و مردم ارتباط و گفتگوی مستقیم برقرار کند.

اصول‌گرایی دال‌هایی مانند فقرزدایی، رفع بیکاری، عمران و آبادانی دارد که جملگی ریشه در نگرش‌های اقتصادگرایانه داشته‌اند. در مجموع اصول‌گرایان با ارائه دال‌های جذابی که مشکلات اقتصادی مردم نیز بر جذابیت آن می‌افزود تفسیرهایی متفاوت برای دال‌هایی مانند «ولایت»، «نظارت»، «قانون» و «آزادی اراده» می‌کنند. تفسیر اصول‌گرایان از دال «نظارت» که از اواسط دهه ۱۳۶۰ تاکنون همواره مورد مناقشه بوده، به‌گونه‌ای است که همسو با معنای دال مرکزی گفتمان اصول‌گرا، یعنی دال «ولایت» می‌باشد. «نظارت استصوابی» مدنظر اصول‌گرایان در راستای نظریه انتصابی ولایت‌فقیه و مشروعیت از بالا به پایین است. همین نگرش معنای دال‌های دیگری مانند «قانون»، «مردم» و «آزادی» را در نزد اصول‌گرایان تحت تأثیر قرار داده و به همین سیاق عمل اجتماعی آن‌ها را نیز شکل داده است.

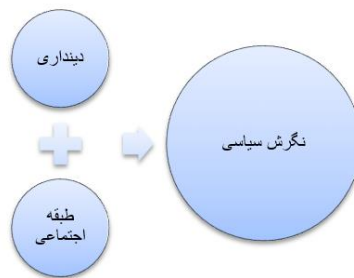
نشانه‌های اصلی گفتمان اصلاحات در رده نخست به گرد «جمهوریت» نظام یا همان مفهوم «مردم» سامان یافت (تاجیک، ۱۳۷۹: ۱۰۸-۱۰۷). اولین نطق مهم خاتمی را که در بهمن ماه ۱۳۷۵ و در مراسم احیای شب ۲۱ ماه رمضان در مراسم اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان سراسر کشور (دفتر تحکیم وحدت) صورت گرفت و در روزهای ۱۳۷۵/۱۱/۱۳، ۱۳۷۵/۱۱/۲۰ و ۱۳۷۵/۱۱/۱۲ در روزنامه سلام چاپ شد، مورد توجه قرار می‌دهیم. در بخشی از این سخنرانی که در سیزده بهمن ۱۳۷۵ در روزنامه سلام چاپ شده، مفصل‌بندی دال‌هایی مانند «مردم» و «قانون» در نظام معنایی گفتمان اصلاح‌طلب را می‌توان مشاهده کرد. خاتمی گفت: «در قانون اساسی جمهوری اسلامی حکومت از آن خداست که توسط مردم اعمال می‌شود و ملت آن را با اراده آزاد پذیرفته‌اند. مشاور رئیس‌جمهوری افزود: قانون اساسی با گنجاندن حق انتخاب و اعمال حکومت توسط مردم راه را بر پذیرفتن بدترین نوع استبداد که همانا نادیده گرفتن اراده انسان با توجیه انتصاب حکومت به خدا و اعمال آن توسط افراد یا قشر خاصی است، بسته است.

بدین ترتیب، «قانون»، «مردم»، «ملت»، «اراده آزاد»، «حق انتخاب»، براساس آن «مردم» منبع مشروعیت بخشی حاکم به صورت غیرمستقیم هستند و بقیه معانی متن حول این نگرش سازمان یافته است. همراه بودن دال مردم با دال‌های دیگری نظیر قانون، آزادی و انتخاب نشان‌دهنده نظام معنایی گفتمان اصلاح‌طلب است. گفتمان اصلاح‌طلب مبتنی بر نوعی مشروعیت بخشی از پایین به بالاست که به واسطه‌ی آن مردم با تشخیص مصداق ولایت به حاکمان مشروعیت می‌بخشند. از این رو، دال مرکزی آن «مردم» است؛ اما نظام معنایی گفتمان محافظه‌کار مبتنی بر مشروعیت بخشی از بالا به پایین است و در آن مشروعیت از خداوند به معصومین و از آنجا به حاکمان اعطا می‌شود و آن‌ها واسطه‌ی خداوند و مردم هستند.

راهبرد فرهنگی گفتمان نیز بر انگاره‌هایی چون اصالت فرهنگ خودی، پذیرش تبادل و داد ستد فرهنگی و برخورد گزینشی و نه سلبی با فرهنگ‌ها و اندیشه‌های گوناگون، بهره‌جویی از ابزارها و شیوه‌های مدرن در عرصه‌های فرهنگی، جداسازی میان رویکرد فرهنگی و سیاسی از رویکرد اطلاعاتی در این پهنه، قانون‌مند کردن روابط و مناسبات فرهنگی و خودداری از برخوردهای سلیقه‌ای، فردی با ناهنجاری‌ها استوار بود (ظریفی‌نیا، ۱۳۷۸: ۱۲۳).

رویکرد خاتمی در پهنه سیاست خارجی را نیز می‌توان با نام رویکرد «فرهنگ گرا»، «صلح گرای اسلامی»، «عمل‌گرای فرهنگی» و مانند آن یاد کرد. از دید این گفتمان، سیاست خارجی را باید بر پایه اعتمادسازی، تنش‌زدایی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز از راه گفت‌وگو و مفاهیم در راستای گسترش روابط با جهان خارج تنظیم و اجرا کرد. جمهوری اسلامی باید به صورت قدرتی مدنی در پهنه بین‌المللی رفتار و برپایی جامعه مدنی جهانی تلاش کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۹۴).

مقاله حاضر به دنبال توصیف وضعیت هرکدام از نگرش‌های سیاسی اصلاح‌طلب و اصول‌گرا در شهر رشت است تا نگرش سیاسی هر کدام از این دو جناح سیاسی اصلی کشور را در این شهر بسنجد. هدف دیگر این تحقیق تبیین رابطه دو متغیر طبقه و دینداری با متغیر وابسته نگرش سیاسی در نزد مردم شهر رشت است. این رابطه در قالب مدل زیر تجلی پیدا می‌کند:



بر این اساس، پرسش‌ها و فرضیات مقاله حاضر به شرح زیر است:

فرضیات تحقیق

۱. با افزایش سطح تحصیلات گرایش به اصول‌گرایی کاسته می‌شود.
۲. با افزایش سطح درآمد گرایش به اصول‌گرایی کاسته می‌شود.
۳. افراد از طبقه اجتماعی بالا گرایش بیشتری به اصلاح‌طلبی دارند.
۴. میزان دینداری اصول‌گرایان بیشتر از اصلاح‌طلبان و اعتدالیون است.

۴. روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش، دینداری و طبقه اجتماعی (تحصیلات رسمی، درآمد، شغل) متغیرهای مستقل و نگرش سیاسی افراد متغیر وابسته است. روش کلی تحقیق حاضر روش کمی است.

برای گردآوری اطلاعات نیز از تکنیک پیمایش و ابزار پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق "شهروندان ۱۸ سال به بالای ساکن در شهر رشت" است. بر اساس فرمول کوکران^۱، حجم نمونه برابر با ۳۷۵ نفر به دست آمد؛ بنابراین، روش نمونه‌گیری مقاله حاضر از نوع نمونه‌گیری احتمالی (تصادفی) خوشه‌ای چندمرحله‌ای است که تکنیک کسب نمونه نهایی متضمن انتخاب چند نمونه‌ی مختلف بوده است. ابتدا با استعلام از شهرداری و دریافت مناطق پنج‌گانه شهری با ذکر محلات خوشه‌ها انتخاب شده‌اند. مناطق پنج‌گانه شهری در رشت هر کدام شامل ۱۱ محله است. مناطق یک و دو شهری که شامل بالاترین مناطق به جهت قیمت زمین و مسکن هستند به عبارتی مناطق بالاترین منطقه شهری نامیده می‌شوند. از تمام مناطق موجود به صورت قرعه‌کشی چهار محله انتخاب شده است به غیر از منطقه یک که شامل سه محله بوده است. منطقه گلسار (کاکتوس، کوی بهشتی، بلوار گیلان) منطقه دو (منظریه، فرهنگ، معلم، ضیابری) منطقه سه (مطهری، دیانته، چمران، کوهی امام رضا) منطقه چهار (حمیدیان، یخ‌سازی، سلیمان دارب، صفحه سر) انتخاب شده‌اند. سپس از هر محله با انتخاب چندین بلوک (برعکس عقربه ساعت) جهت تحویل پرسشنامه به واحد منزل به منظور تحلیل داده‌های حاصل از پیمایش از نرم‌افزار SPSS استفاده شد.

پس از تعریف مفاهیم نظری و عملیاتی، سؤال‌های ابتدایی پرسشنامه تهیه شد. پس از تعیین شاخص‌های مطلوب و تهیه پرسشنامه به انجام پیش‌آزمون پرداخته شد و ۳۰ نمونه مورد بررسی اولیه قرار گرفت. ضریب آلفای کرونباخ اولیه برابر با ۰/۸۵۷ بود. پس می‌توان نتیجه گرفت که این پرسشنامه از پایایی مطلوبی برخوردار است و سؤالات دارای همبستگی درونی هستند. اکثر سؤالات پرسشنامه نیز به صورت بسته بود.

برای سنجش نگرش اصول‌گرایی از پاسخگویان خواسته شده است که نظر خود را براساس مقیاس لیکرت و گزینه‌های کاملاً موافق، موافق، بی‌نظر، مخالف، کاملاً مخالف نسبت به ۴۳ گویه زیر اعلام نمایند:

1. Cochran formula

جدول ۱: تعریف عملیاتی متغیر اصول‌گرایی

فعالیت هسته‌ای ایران باید ادامه پیدا کند حتی اگر باعث تحریم اقتصادی شود
رئیس‌جمهور باید به استان‌های مختلف سفر کند و دیدار چهره به چهره با مردم داشته باشد
بهتر است بیشتر با کشورهای شرقی و اسلامی رابطه داشته باشیم تا کشورهای اروپایی و غربی
کشورهای اروپایی و آمریکایی قابل اعتماد نیستند.
ما باید انقلاب اسلامی خودمان به کشورهای اسلامی خاورمیانه و حتی جهان صادر کنیم.
اطاعت از رهبری اطاعت از خداست.
جایگاه رهبری فراتر از قانون است.
حفظ نظام بر حفظ اسلام ارجحیت دارد.
مردم باید رضایت ولی فقیه را جلب کنند نه اینکه رهبری به دنبال رضایت مردم باشد.
شورای نگهبان نباید اجازه بدهد هر کسی صلاحیت رفتن به مجلس را پیدا کند.
نظام بین‌الملل ناعادلانه است و باید آن را برانداخت.
حمایت از فلسطین و حزب‌الله لبنان وظیفه ما ایرانیان است.
ایران این توانایی را دارد که جهان را اداره کند.
برای حل مشکلات بجای آنکه خودمان را درگیر گزارش‌های کارشناسی بکنیم باید سریع‌تر عمل بکنیم.
امنیت مهم‌تر از آزادی است.
دولت باید با دادن وام‌های کوچک به مردم برای آن‌ها شغل ایجاد کند نه سرمایه‌گذاری برای ساختن کارخانه
بنزین نباید آزاد باشد و دولت باید آن را بین اقشار مختلف سهمیه‌بندی کند.
دادن سهام عدالت به مردم باعث می‌شود که از فقر مردم کاسته شود.
سود بانکی باید کاهش پیدا کند و به مردم تسهیلات بانکی داده شود.
دولت با پرداخت یارانه نقدی به مردم آن‌ها را از فقر دور می‌کند.
طرح مسکن مهر باعث خانه‌دار شدن قشرهای ضعیف مردم می‌شود.
کارمندان خانم باید حتماً با چادر در ادارات حاضر شوند.
سن ازدواج دختران باید پایین بیاید.
ضرورتی ندارد زنان به ورزش قهرمانی مشغول باشند.
متون درسی دانشگاه‌ها باید بر اساس منابع دینی ما تهیه شود.
کلاس‌های درس دختران و پسران در دانشگاه‌ها باید از هم جدا باشد.
نباید اجازه بدهیم کسانی که نماز نمی‌خوانند و روزه نمی‌گیرند استاد دانشگاه شوند.
شیعه با سنی برابر نیست.
اولویت اول دانشگاه‌های ما اسلامی بودن آن‌هاست نه علمی بودن آن‌ها
نباید اجازه بدهیم کتاب‌های مشکوک منتشر شوند و مردم آن‌ها را بخوانند.
ماهواره غیر از بدآموزی چیز دیگری ندارد و باید جمع‌آوری شوند.

دولت‌ها در قبال رفتن انسان‌ها به بهشت یا جهنم مسئول هستند.
کنسرت‌های موسیقی تفریح خوبی نیست و راه را برای شهوت‌رانی باز می‌کنند.
فضای مجازی از بدحجابی بدتر است.
از وقتی وایبر و تلگرام آمده محبت در خانواده‌ها کم شده است.
نباید همه مردم از اینترنت و فضای مجازی استفاده بکنند.

اصلاح‌طلبی چشم‌اندازی است در جهت تغییر نظم موجود به منظور بهبود آن، بدون ایجاد تغییرات اساسی در بنیادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی؛ و یا فراتر رفتن از ارزش‌های ایدئولوژیک مسلط.

جدول ۲: تعریف عملیاتی متغیر اصلاح‌طلبی

قوانین مربوط به حقوق زنان باید تغییر کند اولویت برنامه‌های دولت باید دادن آزادی برای مردم باشد.
زنان می‌توانند در ایام عاشورا دسته‌های عزاداری زنانه داشته باشند.
در ماه رمضان باید مردم را آزاد گذاشت تا خودشان تصمیم بگیرند در ملاءعام غذا بخورند یا نه.
از نظر من ساپورت پوشی نوعی حجاب است.
حکومت‌ها با رأی مردم مشروعیت پیدا می‌کنند.
اختیارات رهبری باید در چارچوب قوانین باشد.
نهادهای زیر نظر رهبری باید در مقابل مجلس پاسخگو باشند.
دین باید به صورت جذاب به مردم معرفی شود.
رسانه‌ها می‌توانند نهادهای زیر نظر رهبری را نقد کنند.
ملاک انتخاب یک فرد برای استادی دانشگاه ظاهر آدم از جمله ریش و لباس نیست.
ضرورتی ندارد که کارمندان زن حتماً با چادر در اداره حاضر شوند.
اختیارات رئیس‌جمهور باید افزایش پیدا کند.
اسلام را نباید به لباس و موی زن محدود کرد.
بهتر است بجای هزینه کردن در کشورهای همسایه (مانند سوریه، لبنان، عراق) به فکر حل مشکلات داخلی کشور باشیم.
علم و پیشرفت باید اولویت دانشگاه‌های ما باشد نه اسلامی شدن.
یک زن می‌تواند رئیس‌جمهور شود.
قوانین مربوط به حقوق زنان باید تغییر کند.

متغیرهای مستقل مقاله حاضر شامل پایگاه اجتماعی - اقتصادی و دینداری هستند؛ بنابراین، در این مقاله، طبقه اجتماعی به مجموعه افرادی گفته می‌شود که موقعیت مشابهی از نظر درآمد، تحصیلات، شغل دارا هستند. طبقه‌بندی‌های مختلفی از مشاغل انجام شده

است. برای مثال، پژوهشی که در سال ۱۳۷۶ مشاغل شهر تهران به پنج گروه اصلی و ۱۸ گروه فرعی تقسیم شده‌اند. کاظمی پور نیز در پژوهش خود منزلت‌های شغلی تهران را به ۵ گروه کلی و ۸ گروه جزئی تقسیم نموده است.

بر این اساس، متغیر ترتیبی شغل در این تحقیق نیز به صورت رتبه‌بندی یک تا پنج از مشاغل بالا مرتبه خیلی خوب (۱) تا مشاغل پایین مرتبه خیلی پایین (۵) طبقه بندی شده است. متغیر درآمد در این تحقیق به صورت ترتیبی کسب درآمد خیلی بالا، بالا، متوسط، پایین و خیلی پایین قرار داده شده است. متغیر تحصیلات به میزان سال‌هایی که افراد به تحصیلات رسمی پرداخته‌اند و بابت آن مدرک دریافت کرده‌اند، گفته می‌شود. از پاسخ‌گویان خواسته شده آخرین مدرک تحصیلی خود را نسبت به مقوله‌های (زیردیپلم، دیپلم، کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری) مشخص کنند.

متغیر مستقل دیگر یعنی دینداری با استفاده از شاخص‌های دینداری کلارک و استارک، به پنج بُعد اعتقادی، مناسکی، تجربه دینی، آگاهی دینی و بعد پیامدی تقسیم می‌شود. **بعد اعتقادی:** با باورهای دینی عبارت است از باورهایی که انتظار می‌رود پیروان آن دین به آن‌ها اعتقاد داشته باشد (گویه‌های ۸۶-۸۱ پرسشنامه).

بعد مناسکی: یا اعمال دینی، شامل اعمال دینی مشخصی همچون عبادت، نماز، شرکت در آئین‌های دینی خاص، روزه گرفتن و غیره است که انتظار می‌رود پیروان هر دین آن‌ها را بجا آورند. (گویه‌های ۱۰۵-۹۹ پرسشنامه)

بعد تجربی یا عواطف دینی: ناظر بر عواطف، تصورات و احساسات مربوط به داشتن رابطه با جوهری ربوبی همچون هدا یا واقعیتی غایی یا اقتداری متعالی است (گویه‌های ۹۲-۹۷ پرسشنامه).

بعد پیامدی یا آثار دینی: ناظر به اثرات باورها، اعمال، تجارب و دانش دینی بر زندگی روزمره پیروان است. (۹۸-۹۳ پرسشنامه) (گلاک و استارک، ۱۹۶۵، نقل از سراج‌زاده، ۱۳۷۴).

جدول ۳: تعریف عملیاتی شاخص دینداری

شیطان واقعی وجود دارد.
اگر ما امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنیم فساد و فحشا همه جا را پر می‌کند.
قرآن کلام خداست و هر چه می‌گوید حقیقت محض است.
این دنیای پر از ظلم و جور با ظهور حضرت مهدی (عج) پر از عدل و داد خواهد شد.

هنوز مطمئن نیستم که خدا واقعاً وجود دارد.
من به وجود فرشته اعتقاد دارم.
کسی که به خدا ایمان دارد از مرگ نمی‌ترسد.
گاهی احساس می‌کنم به خدا نزدیک شده‌ام.
بدون اعتقادات دینی احساس می‌کنم زندگیم پوچ و بی‌هدف است.
هرگاه به حرم یکی از امامان و اولیاء میرم احساس معنویت عمیقی به من دست می‌دهد.
بعضی وقتها احساس ترس از خداوند به من دست می‌دهد.
گاهی احساس توبه می‌کنم و از خدا می‌خواهم تا برای جبران گناهم به من کمک کند.
در مورد خرید و فروش مشروبات الکلی نباید این قدر سخت‌گیری کرد.
تقلب در پرداخت مالیات نادرستی است.
رهبران سیاسی باید کاردان باشند. مذهبی بودن یا نبودنشان چندان مهم نیست.
به نظر می‌رسد بسیاری از قوانین اسلام را نمی‌توان در جامعه امروزی اجرا کرد.
با پدیده بدحجابی باید با قاطعیت مبارزه کرد.
زنان هم باید بتوانند در مسابقات ورزشی مثل فوتبال به‌عنوان تماشاچی شرکت کنند.
هرچند وقت یک‌بار برای ادای نماز جماعت به مسجد می‌روید؟
در ایام ماه رمضان (چنانچه مریض یا مسافر نباشید) چقدر روزه می‌گیرید؟
تا چه حد قرآن می‌خوانید؟
چقدر با مسجد محل یا موسسه‌های مذهبی (اسلامی) دیگر همکاری دارید؟
آیا نماز می‌خوانید؟
آیا در نماز جمعه شرکت می‌کنید؟
آیا در مراسم اعیاد مذهبی و عزاداری که در مساجد و تکیه‌ها تشکیل می‌شود شرکت می‌کنید؟

در مجموع، پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش ۴ بعد از ابعاد فوق را به کار برده است. پرسشنامه‌ی دینداری حاضر دارای ۲۶ گویه می‌باشد که در چهار بعد اعتقادی (با ۷ گویه)، عاطفی (با ۶ گویه)، پیامدی (با ۶ گویه) و مناسکی (با ۷ گویه) جهت سنجش میزان دینداری به کار می‌رود.

۵. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

داده‌های گردآوری شده این تحقیق نشان می‌دهد که بیشترین میزان فراوانی سن پاسخگویان، به گروه سنی ۲۶ تا ۳۰ سال مربوط می‌شود که ۲۶,۵ درصد پاسخگویان را در برمی‌گیرد. پس از آن گروه سنی ۳۱ تا ۳۵ سال با ۲۳,۱ درصد بیشترین نسبت از پاسخگویان

را در برمی‌گیرد که از کل ۳۸۵ نفر، تعداد ۱۳۴ نفر (۳۴,۸ درصد) زن و ۲۵۱ نفر (۶۵,۲ درصد) مرد می‌باشد. داده‌های گردآوری شده در مورد وضعیت تأهل پاسخگویان این تحقیق نشان می‌دهد که از کل ۳۸۵ نفر، تعداد ۲۷۵ نفر (۷۱,۴ درصد) متأهل و ۱۱۰ نفر (۲۸,۶ درصد) مجرد می‌باشد. مورد میزان تحصیلات پاسخگویان این تحقیق نشان می‌دهد که بیشترین میزان فراوانی پاسخگویان، به گروه کارشناسی مربوط می‌شود که ۳۹,۷ درصد پاسخگویان را در برمی‌گیرد. پس از آن گروه دیپلم با ۳۱,۲ درصد بیشترین نسبت از پاسخگویان را در برمی‌گیرد.

نگرش‌های سیاسی مردم شهر رشت از بین ۳۸۵ فرد پاسخ‌دهنده، ۷۶ درصد اصلاح‌طلب (۲۹۳ نفر) و ۲۴ درصد اصول‌گرا (۹۲ نفر) را تشکیل می‌دهند.

جدول ۴: توزیع فراوانی پاسخ‌گویان دو جریان سیاسی

متغیر	اصلاح‌طلبی	اصول‌گرایی
فراوانی	۲۹۳	۹۲
درصد	٪۷۶	٪۲۴

آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول: با افزایش سطح تحصیلات گرایش به اصول‌گرایی کاسته می‌شود. همان‌طور که نتایج جدول زیر نشان می‌دهد آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه معنادار است، به‌گونه‌ای که مقدار آماره F برابر با ۱۴/۳۵۴ است و سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۰ است. براساس نتایج به‌دست‌آمده می‌توان گفت که بین تحصیلات از نظر میانگین گرایش به اصول‌گرایی تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ بنابراین فرضیه مذکور مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول ۵: نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه در ارتباط تحصیلات و گرایش به اصول‌گرایی

منبع واریانس	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	آماره F	سطح معنی‌داری
بین گروه	۶۴۵۵۸,۵۳۱	۵	۱۲۹۱۱,۷۰۶	۱۴,۳۵۴	۰/۰۰۰
درون گروه	۳۴۰۹۲۷,۷۱۹	۳۷۹	۸۹۹,۵۴۵		
جمع	۴۰۵۴۸۶,۲۴۹	۳۸۴			

چنان‌که در جدول شماره (۶) مشاهده می‌شود، مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که افراد زیر دیپلم گرایش بیشتری به اصول‌گرایی دارند و افراد دکتری کمترین گرایش به اصول‌گرایی دارند.

جدول ۶: مقایسه میانگین متغیر «تحصیلات» و «گرایش به اصول گرایی»

انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	تحصیلات
۲۸,۶۱۳۸۲	۱۳۴,۸۳۷۸	۳۷	زیر دیپلم
۳۱,۹۷۵۱۳	۱۲۴,۳۳۳۳	۱۲۰	دیپلم
۳۰,۳۶۰۸۲	۱۲۱,۹۰۵۷	۵۳	فوق دیپلم
۲۹,۰۹۹۲۰	۱۰۵,۷۵۸۲	۱۵۳	لیسانس
۲۷,۸۰۴۴۱	۹۵,۴۴۴۴	۱۸	فوق لیسانس
۱,۰۰۰۰۰	۴۹,۵۰۰	۴	دکتری
۳۲,۴۹۵۴۴	۱۱۵,۴۹۸۷	۳۸۵	جمع
۲۹,۹۹۲۴۲			

جدول ۷: نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه در ارتباط تحصیلات و گرایش به اصول گرایی

سطح معنی داری	آماره F	میانگین مجزورات	درجه آزادی	مجموع مجزورات	متغیر	مدل
۰/۰۰۰	۱۷۵,۵۸۷	۲۱۲۷۴,۶۵۷ ۱۲۱,۱۶۳	۱ ۳۸۳ ۳۸۴	۲۱۲۷۴,۶۵۷ ۴۶۴۰۵,۵۷۷ ۶۷۶۸۰,۲۳۴	دینداری نگرش سیاسی	رگرسیون

فرضیه دوم: با افزایش سطح درآمد گرایش به اصول گرایی کاهش می یابد.

جدول ۸: رابطه بین درآمد و اصول گرایی

اصول گرایی	درآمد
$r = -۰/۳۵۰$	
$Sig = ۰/۰۰۰$	

ضریب همبستگی محاسبه شده به میزان $-۰,۳۵۰$ نشان می دهد که بین دو متغیر «درآمد» و «اصول گرایی» رابطه معنی داری وجود دارد. این همبستگی منفی بوده و از حیث شدت، در حد متوسط می باشد. با افزایش درآمد، گرایش به اصول گرایی کاهش می یابد. فرضیه سوم: افراد از طبقه اجتماعی بالا گرایش بیشتری به اصلاح طلبی دارند.

جدول ۸: رابطه بین طبقه اجتماعی و اصلاح طلبی

اصلاح طلبی	طبقه اجتماعی
$r = ۰/۳۹۷$	
$Sig = ۰/۰۰۰$	

ضریب همبستگی محاسبه شده به میزان $0/397$ نشان می‌دهد که بین دو متغیر «طبقه‌ی اجتماعی» و «اصلاح‌طلبی» با 99 درصد اطمینان رابطه معنی‌داری وجود دارد. این همبستگی مثبت بوده و از لحاظ شدت، در حد متوسط ارزیابی می‌گردد. با توجه به نتیجه به‌دست‌آمده می‌توان این چنین استدلال نمود که با افزایش طبقه‌ی اجتماعی، گرایش به اصلاح‌طلبی نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه چهارم: میزان دینداری اصول‌گرایان بیشتر از اصلاح‌طلبان است.

جدول ۹: نتایج ضرایب رگرسیون در تحلیل رابطه بین دینداری و نگرش سیاسی

متغیرهای واردشده	شیب خط	ضرایب استاندارد شده (بتا)	مقدار t	سطح معنی‌داری
مقدار ثابت	۸,۵۶۸		۱,۶۰۸	۰,۱۰۹
دینداری	۰,۲۸۳	۰/۵۶۱	۱۳,۲۵۱	۰,۰۰۰

ضریب همبستگی محاسبه شده به میزان $0/561$ نشان می‌دهد که بین دو متغیر «دینداری» و «نگرش سیاسی» رابطه معنی‌داری وجود دارد. این همبستگی مثبت بوده و از لحاظ شدت، در حد بالا ارزیابی می‌گردد. ضریب تعیین بین این دو متغیر هم معادل $0/72$ است، یعنی تقریباً هفتاد و دو صدم از واریانس گرایش سیاسی ناشی از دینداری است. شیب خط هم معادل $0/283$ است، علامت مثبت شیب خط نشانگر رابطه مستقیم بین دو متغیر است؛ یعنی هر چه میزان دینداری بیشتر باشد، گرایش سیاسی او نیز بیشتر می‌شود.

با توجه به اینکه متغیر «دینداری» با استفاده از چند گویه و در سطح فاصله‌ای اندازه‌گیری شده است، بنابراین، برای بررسی رابطه میان این متغیر و متغیرهای «اصول‌گرایی، اصلاح‌طلبی» از رگرسیون چندگانه استفاده شده است.

در این مرحله، متغیر «دینداری» به‌عنوان متغیر ملاک و ۲ متغیر «اصول‌گرایی»، «اصلاح‌طلبی» به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین وارد دستگاه رگرسیونی شده‌اند، این ۳ متغیر را در جدول شماره (۹) می‌توان مشاهده نمود.

جدول ۹: متغیرهای واردشده در مدل رگرسیون چندگانه و روش ورود متغیرها

متغیرهای واردشده	روش
اصول‌گرایی اصلاح‌طلبی	همه ورود

همان‌طور که در جدول ۹ نیز مشاهده می‌شود، برای وارد کردن متغیرها در تحلیل رگرسیون چندگانه از روش همه ورود استفاده شده است. نتایج حاصل از تحلیل

رگرسیون چندگانه این متغیرها در سه جدول زیر آمده است.

جدول ۱۰: تحلیل واریانس رگرسیون چندگانه

سطح معنی‌داری	آماره F	میانگین مجدورات	درجه آزادی	مجموع مجدورات	مدل
۰,۰۰۰	۷۷,۸۲۶	۸۵۷۱,۹۳۶ ۱۱۰,۱۴۳	۳ ۳۸۱ ۳۸۴	۲۵۷۱۵,۸۰۷ ۴۱۹۶۴,۴۲۶ ۶۷۶۸۰,۲۳۴	رگرسیون

همان‌طور که در جدول ۱۰ نیز مشاهده می‌شود، تحلیل واریانس متغیرها نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین، پیش‌فرض خطی و قابل پیش‌بینی بودن مدل تأیید می‌شود. همچنین نشان می‌دهد که مدل رگرسیون توانسته است تغییرات در متغیر ملاک را توضیح دهد.

جدول ۱۱: خلاصه مدل رگرسیون چندگانه

مدل	مقدار R	ضریب تعیین (R^2)	ضریب تعیین تعدیل‌شده	خطای استاندارد پیش‌بینی
۱	۰,۶۱۶	۰,۳۸۰	۰,۳۷۵	۱۰,۴۹۴۹۰

جدول ۱۱ حاکی از این است که بین دو متغیر از متغیرهای پیش‌بین به‌طور کلی، یعنی «اصول‌گرایی» و «اصلاح‌طلبی» و متغیر ملاک، یعنی دینداری، همبستگی مثبتی وجود دارد. این همبستگی عدد ۰/۶۱۶ را نشان می‌دهد که از نظر شدت، یک همبستگی بالا محسوب می‌شود. ستون سوم جدول ضریب تعیین مدل را نشان می‌دهد. این عدد (۰/۳۸۰) بیانگر این است که متغیرهای پیش‌بین یاد شده در مدل رگرسیونی در مجموع توانسته‌اند حدوداً ۰/۳۸۰ درصد از تغییرات متغیر ملاک را تبیین کنند؛ و ستون بعدی ضریب تعیین تعدیل‌شده را نمایش می‌دهد که همان ضریب تعیین یا (R^2) است که در مدل رگرسیونی مورد تعدیل قرار گرفته است علاوه‌براین، اطلاعات، تحلیل رگرسیونی میزان تأثیر استاندارد شده هر کدام از متغیرها را به‌طور جداگانه نیز بر روی متغیر ملاک نشان می‌دهد. میزان دقیق این تأثیرات در جدول (۱۱) آمده است.

جدول ۱۱: ضرایب استاندارد رگرسیون چندگانه متغیرهای اثرگذار بر دینداری

متغیرهای وارد شده	ضرایب استاندارد شده (بتا)	مقدار t	سطح معنی‌داری
مقدار ثابت	--	۴,۰۴۳	۰/۰۰۰
اصول‌گرایی	۰/۷۳۹	۱۴,۴۰۰	۰/۰۰۰
اصلاح‌طلبی	۰/۱۰۸	۱,۹۳۸	۰/۰۵۳
		۲,۹۵۴	

جدول ۱۱ میزان دقیق تأثیر استاندارد شده هر کدام از متغیرهای پیش‌بین را بر روی متغیر ملاک را نشان می‌دهد. ستون دوم این جدول که با نام ضرایب استاندارد شده یا بتا مشخص گردیده است، در بررسی روابط میان متغیرهای پیش‌بین و متغیر ملاک از اهمیت بالایی برخوردار است. علامت ضریب بتا جهت رابطه و قدر مطلق عددی آن شدت رابطه میان متغیر پیش‌بین و متغیر ملاک (درحالی‌که اثر سایر متغیرها کنترل شده باشد) را نشان می‌دهد. ستون آخر جدول نیز سطح معنی‌داری این ضرایب را نشان می‌دهد. با توجه به مقادیر ستون بتا می‌توان گفت که متغیرهای اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی، به ترتیب بیش‌ترین تأثیر را بر دینداری دارند. سطح معنی‌داری این دو متغیر کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین می‌توان گفت که این دو متغیر تأثیر معنی‌داری بر دینداری دارند. کنکاش دقیق‌تر نشان می‌دهد که متغیر (اصول‌گرایی) دارای بیشترین تأثیر می‌باشد، زیرا به ازای یک واحد تغییر در این متغیر ۰/۷۳۹ تغییر، در متغیر دینداری ایجاد می‌شود. با توجه به نتایج حاصل می‌توان چنین استدلال نمود که میزان دینداری اصول‌گرایان بیشتر از اصلاح‌طلبان است بنابراین فرضیه مذکور تأیید می‌گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

مقاله حاضر به دنبال توصیف وضعیت هر کدام از نگرش‌های سیاسی اصلاح‌طلب و اصول‌گرا در شهر رشت بود تا نگرش سیاسی هر کدام از این دو جناح سیاسی اصلی کشور را در این شهر بسنجد. نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که ۷۶ درصد از پاسخ‌گویان نگرش اصلاح‌طلبی را دنبال می‌کنند. دومین نگرش سیاسی شهروندان رشت را نیز اصول‌گرایان با ۲۴ درصد شکل می‌دهند.

مقاله حاضر با توصیف نگرش‌های سیاسی موجود در شهر رشت به دنبال تبیین این مسئله بود که نگرش سیاسی تا چه میزان از عوامل طبقه اجتماعی و دینداری آنان تأثیر می‌پذیرد.

یافته‌ها نشان می‌دهند که نگرش‌های سیاسی از هر دو عامل اجتماعی طبقه و دینداری تأثیر می‌پذیرد.

در تحقیق حاضر نشان داده شد که با افزایش سطح تحصیلات گرایش به اصول‌گرایی کاسته می‌شود. افراد زیر دیپلم گرایش بیشتری به اصول‌گرایی دارند و افراد دارای تحصیلات دکتری کمترین گرایش به اصول‌گرایی دارند. با افزایش سطح درآمد گرایش به اصول‌گرایی کاهش می‌یابد. هر چه میزان درآمد پاسخگویان افزایش پیدا می‌کند از نگرش سیاسی اصول‌گرایی فاصله می‌گیرند و در نهایت یعنی هر قدر طبقات اجتماعی افراد بالاتر می‌روند از نگرش اصول‌گرایی فاصله می‌گرفتند به نگرش اصلاح‌طلبی نزدیک می‌شدند که نشان‌دهنده اهمیت طبقه اجتماعی در نگرش سیاسی افراد است.

بدین ترتیب، تأثیر مثبت هم درآمد و هم تحصیلات بر نگرش سیاسی بازتاب این اندیشه مارکس است که می‌گفت ساختار اقتصادی جامعه یعنی همان بنیان واقعی که روبناهای سیاسی و قانونی از آن ناشی می‌شود، با شکل‌های معین شعور اجتماعی بستگی دارد. با بالا رفتن سطح درآمد افراد شاهد ارتقای طبقاتی آنان خواهیم بود که در تلازم با متغیر تحصیلات است. هر قدر تحصیلات بالا رود بر میزان درآمد افراد افزوده می‌شود که به معنی تحرک طبقاتی آنان نیز می‌باشد؛ بنابراین، یافته‌های این مقاله مهر تأییدی بر گزاره «زندگی است که آگاهی را تعیین می‌کند» کارل مارکس است. یا چنانکه کائوتسکی می‌گفت نقش اراده و عمل انسان را باید به نحوی پذیرفت، اما باید بر شرایط عینی اقتصادی تأکید کرد که تعیین‌کننده‌ی جهت و ماهیت اراده و عمل انسان‌هاست.

در سمت دیگر، تحقیق حاضر نشان داد دینداری به‌عنوان بخشی مهم از فرهنگ بر نگرش سیاسی افراد تأثیر می‌گذارد. با کاهش و یا افزایش میزان دینداری نگرش سیاسی افراد تغییر می‌کند. میزان دینداری اصول‌گرایان بیشتر از اصلاح‌طلبان است و اصول‌گرایان بیشترین تأثیر را از دینداری می‌گیرند. به عبارتی اصلاح‌طلبان تحت نفوذ طبقه اجتماعی خود و اصول‌گرایان تحت تأثیر میزان دینداری خود هستند. بدین ترتیب، یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهند که مطابق تز ماکس وبر چگونه اصلاح‌اندیشه مذهبی می‌تواند به تکامل فرهنگ جدید اینجهانی منجر گردد و نوع جدیدی از دینداری را خلق نماید که زمینه برخی تغییرات اقتصادی را سبب می‌شود. در نتیجه، تبدیل ایده‌ها به نیروهای مؤثر تاریخ در قالب تأثیر دینداری بر نگرش‌های سیاسی بروز می‌نماید.

منابع

- آشوری، داریوش. (۱۳۷۳). فرهنگ سیاسی، تهران: انتشارات مروارید.
- اسمیت، فلیپ. (۱۳۸۳). درآمدی بر نظریه‌های فرهنگی، ترجمه حسن پویان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- اوپنهام، ارن. (۱۳۶۹). طرح پرسشنامه و سنجش نگرش، ترجمه مرضیه کریم نیا، نشر آستان قدس رضوی.
- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۸۲). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۹). تاریخ اندیشه‌های سیاسی قرن بیستم، تهران: نشر نی.
- بیرو، آلن. (۱۳۸۰). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: نشر کیهان.
- بیلینگتون، روز اموند و دیگران. (۱۳۸۰). فرهنگ و جامعه، ترجمه فریبا عزبذقتری، تهران: نشر قطره.
- بهمنی طراز، غدیر و دلاوری، ابوالفضل (۱۳۹۵)، «فرهنگ سیاسی دموکراتیک و طبقه متوسط جدید (مورد پژوهش: اساتید دانشگاه‌ها و دبیران مقطع متوسطه شهر همدان)»، پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، دوره ۵، شماره ۸، ۲۱-۱.
- پلخانف، گئورگی. (۱۳۸۱). مسائل اساسی مارکسیسم و مقالات فلسفی دیگر، ترجمه پرویز بابایی، تهران: آزاد مهر.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۷۹). جامعه‌ای امن در گفتمان خاتمی، تهران: نشر نی.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۹۲). «گفتمان اعتدال در سیاست خارجی جمهوری اسلامی»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۷۴.
- دیویس، وینستون. (۱۳۷۹). دین و توسعه: ویر و تجربه آسیای شرقی، در مایرون واینر و ساموئل هانتینگتون، درک توسعه سیاسی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- روحانی، حسن. (۱۳۹۲). برنامه، اصول کلی و خط‌مشی دولت، متن سخنرانی در مراسم تنفیذ دولت تدبیر و امید.
- زارع، بیژن و روهنده، مجید. (۱۳۹۵)، «پژوهشی در باب دینداری و مشارکت سیاسی (مورد مطالعه: شهروندان شهر کرج)»، پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، دوره ۵، شماره ۸، ۴۶-۲۳.
- زیباکلام، صادق. (۱۳۷۷). جناح‌های سیاسی در ایران امروز، تهران: نقش نگار.
- سلیمی، حسین. (۱۳۸۴). کالبدشکافی ذهنیت اصلاح‌گرایان، تهران: نشر گام نو.
- سیف‌زاده، سید حسین. (۱۳۷۳). لیبرالیسم معنا و تاریخ آن، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، تهران: مرکز.
- ظریفی‌نیا، حمیدرضا. (۱۳۷۸). کالبدشکافی جناح‌های سیاسی ایران، تهران: نشر آزادی اندیشه.
- کرایب، یان. (۱۳۷۸). نظریه اجتماعی مدرن: از پارسونز تا هابرماس، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر آگاه.

- کردی، حسین. (۱۳۸۸). فرهنگ سیاسی و عوامل اجتماعی آن: مطالعه موردی استان گلستان، پایان نامه دکتری، رشته جامعه‌شناسی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۱). سیاست، جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی. مارکس، کارل. (۱۳۸۰). لودویگ فوئرباخ و ایدئولوژی آلمانی، ترجمه پرویز بابایی، تهران: نشر چشمه.
- مارکس، کارل. (۱۳۸۵). نیروهای تولید و روابط تولید، در لوئیس کوزر و برنارد روزنبرگ، نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نی.
- وبر، ماکس. (۱۳۷۳). اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری، ترجمه عبدالکریم رشیدیان و پریسا کاشانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- وبر، ماکس. (۱۳۸۷). روش‌شناسی علوم اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: مرکز.
- نوری، هادی. (۱۳۹۴). «آیا اصلاحات ضروری بود؟»، پایگاه اطلاع‌رسانی دیار میرزا.
- سو، آلوین. (۱۳۸۶). تغییر اجتماعی و توسعه، ترجمه محمود مظاهری، تهران: انتشارات پژوهشکده راهبردی.
- همیلتون پیتر. (۱۳۷۹). تالکوت پارسونز، ترجمه احمد تدین، تهران: نشر هرمس.
- Almond, A., Gabriel and Verba S. (1963). *The Civic Culture: Political Attitudes and Democracy in Five Nations*, Center for International Studies, Princeton University, Princeton University Press.
- Backy, L.; Choma, C., L. H.; Dywan, J. J.; Segalowitz, S. A., Busseri, M. (2012). Political liberalism and political conservatism: Functionally independent? Personality and individual differences, Contents lists available at SciVerse ScienceDirect.
- Edgar, A. and Sedgwick, P. (2002). *Cultural Theory, the Key Thinkers*, London and New York, Sage.
- Van Leeuwen, Florian & Park, JH (2009) Perceptions of social dangers, moral foundations and political orientation, In: *Personality and Individual Differences*, Vol. 47, 2009, 169-173.
- Friese, M; Fishman, Sh; Beatson, R. Sauerwein, K (2009), "Whose fault is it anyway? Political Orientation, Attribution of Responsibility and Support for the Ward in Iraq", *Social Justice Research*, Vol. 22, 280-297.
- Parsons, T. (1951). *The Social System*, New York: Free Press.
- Sharma. B. B (1992). *Encyclopedic dictionary of sociology*, published by J. L Kummar for Anmol publications, New Delhi.
- Zettler, I.; Hilbig, E.; Benjamin; Haubrich, Julia (2011). "Altruism at the ballots: Predicting political attitudes and behavior", *Journal of research in personality*, 45(1), 130-133.